



پاوند و پازولینی

برگردان مهدی فتوحی

پاوند و پازولینی؛ دو نابغه در کنار هم

برگردان مهدی فتوحی

∴



fold-era.com

پاوند و پازولینی؛ دو نابغه در کنار هم برگردان مهدی فتوحی

ازرا پاوند و پیر پائولو پازولینی

درباره‌ی هر دوی‌شان سخنان بسیاری در تایید و رد نظرات‌شان گفته‌اند. دو روشنفکر دور از هم و در آن واحد و عمیقاً مشابه هم. ازرا پاوند، فاشیستی که آرزوی يك ایتالیای سوسیالیست را در سر داشت و پیر پائولو پازولینی، کمونیستی که رویای ایتالیایی را در سر می‌پروراند که حافظ محیط زیست باشد. یکی از اتهامات وارده‌ی رایج به پازولینی دوستدار گذشته‌ها این است که او ضدپیشرفت‌بودن خود را چون نقطه‌ی ضعف اصلی خود می‌نمایاند و استنباط بسیار بدبینانه‌ای از مدل پیشرفت در جوامع کاپیتالیستی دارد. ولی برای ازرا پاوند ایتالیا کشوری است روستایی که در آن هر شکلی از ایدئولوژی بورژوازی مترادف است با فاشیسم.

پازولینی

گویا پازولینی در سال‌های دهه‌ی هفتاد میلادی این نظریه را با جستجوی نقاط حساس نو توضیح داده است. در نقدهایی که پازولینی برای هفته‌نامه‌ی تمپو می‌نویسد بسیاری از نقدهای ادبی او بر نوشته‌های نویسندگان موسوم به جناح راست شکل می‌گیرند. نویسندگانی مانند یوریس کارل هویسمان، گاتفرید بن، دینو کامپانا، فرناندو ریترو و پیش از همه ازرا پاوند، و می‌گوید:

«خواندن و مطلع‌شدن و آموختن به معنای بایستگی حفظ ارتباط با مولفان جناح راست است.»

آنچه برای پازولینی در ایدئولوژی فاشیستی جذاب است ایده‌ی حفاظت از منابع طبیعی است. در بازبینی این اندیشه مدل ارجاع و عزیمت برای پازولینی شخص ازرا پاوند است. با خوانش نقدهای او بر «نغمه‌ها» به نظر می‌رسد که نه اصول بوطیقای نویسنده‌ی آمریکایی و نه اعتقادات سیاسی او برای پازولینی اعتباری دارند. «جز در کنش دیداری و ایمایی کردن‌شان مجموعه‌ی سیاست و اقتصاد مد نظر پاوند به خاطر آنچه می‌گویند کلاً بی‌اعتبارند». همه‌ی سیاست پاوند ایمایی است و مباحثات اقتصادیش پرتوپلاگویی‌اند. زیبایی‌شان در چیزی نیست که می‌گویند بلکه در قالب گراماتیک و دستوری و لفظی‌شان است. عشق پاوند به لحظه‌ی ناب رنج زبان (یعنی عملکرد و زاجانه‌ی زبان) یکی از پدیده‌های بزرگ ادبیات مدرن است.

از سوی ایالات متحده ازرا پاوند به جرم خیانت عظمی دوازده سالی را در دارالمجانین جنایتکاران جزایی محبوس می‌شود و در نوامبر ۱۹۴۵، وقتی محاکمه در واشنگتن برگزار می‌گردد آن دادگاه نخبگان و روشنفکران نیمی از جهان را برآشفته می‌کند و در تی. اس. الیوت که نه تنها دوست که شاگرد پاوند بوده ابرازی تبلیغاتی به نفع او می‌بیند. در سال ۱۹۴۸ اشعار «نغمه‌هایی پیرایی» او منتشر می‌شوند و این کتاب در سال ۱۹۴۹ جایزه‌ی نخست بولینگن شعر را از سوی بنیاد بولینگن و دانشگاه ییل دریافت می‌کند.

ازرا پاوند

يك هیئت منصفه به ریاست الیوت مورد مشاوره قرار می‌گیرد. اقدامی برای تصحیح موقعیت غمبار شاعر. نه سالی باید بگذرد تا دادخواستی به امضاء همینگوی، فراست و مک لیش اعتبار دادگاه را زیر سوال ببرند و ازرا پاوند را به آزادی رویایی‌اش برسانند. او پس از این آزادی تصمیم می‌گیرد در ایتالیا زندگی کند. ایتالیای خودش. با بازخوانی این مصاحبه که پازولینی در سال ۱۹۶۸ با پاوند انجام داده می‌توان لحظه‌ای از چرخش را، در ارتباط میان پازولینی و پاوند، یعنی در ارتباط با استنباط پیشرفت‌ستیزانه‌ی آنها برجسته کرد.

پازولینی این مصاحبه را در ونیز برای تلویزیون ملی ایتالیا انجام می‌دهد. موقعیت از يك مصاحبه‌ی ساده فراتر می‌رود. این يك رویداد است با بار تاریخی، نه فقط برای جهان ادبیات و شعر، بلکه در زندگی دو روشنفکر، این دو بزرگ نشسته‌اند روبروی هم. يك تقابل روشنفکرانه با احترام متقابل بسیار. دو کیهان دور از هم با فاصله‌ی سنی زیاد و ادبیات و سیاستی متفاوت ولی دو روح بسیار نزدیک که در عشقشان به شعر با هم یکی شده‌اند. عشقی که تفاوتی میان موجودات زنده قابل نیست.

يك سو ازرا پاوند است که دیگر سالخورده و خسته، و آشکارا بی تفاوت است به سنگینی زندگی و فراز و نشیب پیموده شده و تجربه‌ی حبس در دارالمجانین جزایی؛ و سوی دیگر پازولینی نویسنده و کارگردان است که در آن سال‌ها تازه به لذت‌بردن از دسترنج کار خود نائل آمده که درازمدتی زیر تیغ نقد بوده و با آن بدرفتاری شده و فقط مورد ریشخند نقد زاهد‌آبانه‌ی ایتالیایی قرار نگرفته؛ نقدی که تا چندی پیش کاملاً ناآماده بوده برای درک حساسیت و شجاعت و درخشندگی پژوهش‌های بیانی و سبک روایی او.

ملاقات پازولینی و پاوند

پازولینی کمی از ایتالیای پیشاصنعتی سخن می‌گوید و فیلمنامه‌ای که دارد آغاز می‌شود. یعنی ملتی صنعتی و از لحاظ فرهنگی پیشرو که نوعی تازه از ادبیاتِ نوعی ملت‌های بسیار بورژوازی و صنعتی را عرضه می‌کند. او می‌گوید: در ایتالیا جنبشی آوانگارد هست که غالباً از آن صحبت می‌کنند. در اینجا در حین صحبت مکثی می‌کند که پرش معمول اوست با حداکثر ذکاوتش و سپس می‌پرسد: آیا شما پدرخواندگی این قبیل جنبش‌های آوانگارد را که اینجا در ایتالیا هستند می‌پذیرید یا نه؟

ازرا پاوند، این پیرمرد ۸۲ ساله، رخساری بس خسته دارد. واژگانش به سختی فهم می‌شوند. او با همان زبان ایتالیایی‌اش که دقت زیادی می‌طلبد پاسخ می‌دهد. صدایش شدید و ضعیف می‌شود. نوعی تک‌گویی تب‌آلود دارد بدون این که هرگز ذکاوت روشنفکرانه‌اش را از دست بدهد و در مقابل مصاحبه‌گر توانمندش سپر اندازد. صریح است و نفس نمی‌گیرد و گریزگاه نمی‌جوید. او از این تقابل نمی‌ترسد. ولی تأیید نمی‌کند که پدرخوانده‌ی این جنبش‌هاست و می‌گوید: این فقط مختص ایتالیا نیست. بلکه در تمام جهان هست و من نمی‌توانم پشت همه‌ی این جریان‌ها باشم. پازولینی انگار از این پاسخ راضی نشده.

- ولی آیا شما راضی هستید که نام‌تان با این فرآورده‌های آوانگارد ایتالیایی بیاید یا چیزی‌ست که شما آن را دوست ندارید؟

در این نقطه است که ازرا پاوند شاعر از کالبدِ پیرمرد خسته بیرون می‌آید و صدایش در توضیحی مرواریدگون شکل می‌گیرد و می‌گوید:

- این‌ها اندیشه‌های ازرای پیر است که از زندگی گذشته‌اش، اینجا در ته چاه تاریک به جا مانده. درست است. به نظرم این چنین نمی‌رسد. البته شاید شما هم حق داشته باشید. من احتمالاً در وضعیتی نیستم که واضح آنچه را در بیرون رخ می‌دهد، در روشنایی نئون جهان نوآوانگارد‌هایی تشخیص بدهم که امیدوارم در یابند و ازرای پیر را ببخشند که نمی‌تواند ببیندشان.

پازولینی سر از پا نمی‌شناسد برای ورود به ژرفای سخنی که شاعر دارد برایش باز می‌کند.

- نقاشانی که بیشتر دوست داشته‌اید کدامند؟

(مکث)

- نقاشان قرن پانزدهم.

- چه فرمودید؟

پازولینی منتظر پاسخی از این دست نیست. از کسی که یکی از بزرگترین شاعرانی است که مدرنیسم را معرفی می‌کند.

- شما بیشتر نقاشانی را دوست داشته‌اید که نقاشی‌شان شبیه شعرتان بوده یا نقاشانی که کارشان با شعر شما فرق داشته؟

- من روزی در حاشیه‌ی نامه‌ای به لویس نقاش نوشتم: نقاشان زیاد برایم جالب نیستند. يك منتقد درباره‌ی من نوشت: پاوند موسیقی و پیکرتراشی را برای قیاس با شعر بر می‌گزیند و هرگز علاقه‌ای ویژه‌ای به نقاشان نشان نداده است.

اینجا او از سخن باز می‌ماند و پازولینی بحث را عوض می‌کند و کتاب «نغمه‌های پیزایی» را می‌گشاید و با نوعی وقار شروع به برخوانی آن می‌کند طوری که ازرا پاوند حین گوش‌دادن به آن اشعار مات و مبهوت می‌ماند.

اینجا شعر قطع می‌شود و قطعه‌ای موسیقی پخش می‌شود. پازولینی به دقت به او می‌نگرد. ازرا پاوند پاسخ می‌دهد.

- اینها جمله‌های نخست این موسیقی بودند و نه همه‌اش.

پازولینی کنجکاو شده:

- خب، این چه موسیقی‌ای است؟

- نغمه‌ی پرندگان اثر کلمنت ژانه‌کین که برای گروه همسرایان نوشته شده. فرانچسکو دا میلانو آن را برای عود نوشته. ژرار آن را برای ویولون تنظیم کرده است.

پازولینی نغمه‌ی دیگری را می‌خواند که انگار توصیف یک زندگی دردناک است و بر این قطعه تاکید می‌کند:

«دومای جوان می‌گیرد. فقط به این دلیل که دومای جوان هنوز اشک دارد.»

رو می‌کند به او:

- مقصودتان خود جواناتان بوده؟

ازرا پاوند مطمئن پاسخ می‌دهد:

- نه. من در همین «نغمه‌های پیزی»، خیلی دیر نوشته‌ام: من دیر، خیلی دیر، غم را شناختم.

پازولینی متأثر شده. او خیلی خوب زجر بسیاری را که شاعر در طول سالیان دراز در دارالمجانین متحمل شده می‌شناسد و شروع می‌کند به بازخوانی نغمه‌ی شماره‌ی هشتاد و یکم او:

آنچه را که به راستی دوست می‌داری برجای می‌ماند؛ باقی تفاله است

آنچه را که به راستی دوست می‌داری از تو جدا نخواهد شد

آنچه را که به راستی دوست می‌داری میراث حقیقی توست

جهان از آن کیست؟ از آن من؟ از آن دیگران؟ یا از آن هیچ کس؟

نخوت را از خویش دور کن

این آدمی نبود که شجاعت و نظم و لطف را آفرید.

نخوت را از خویش دور کن

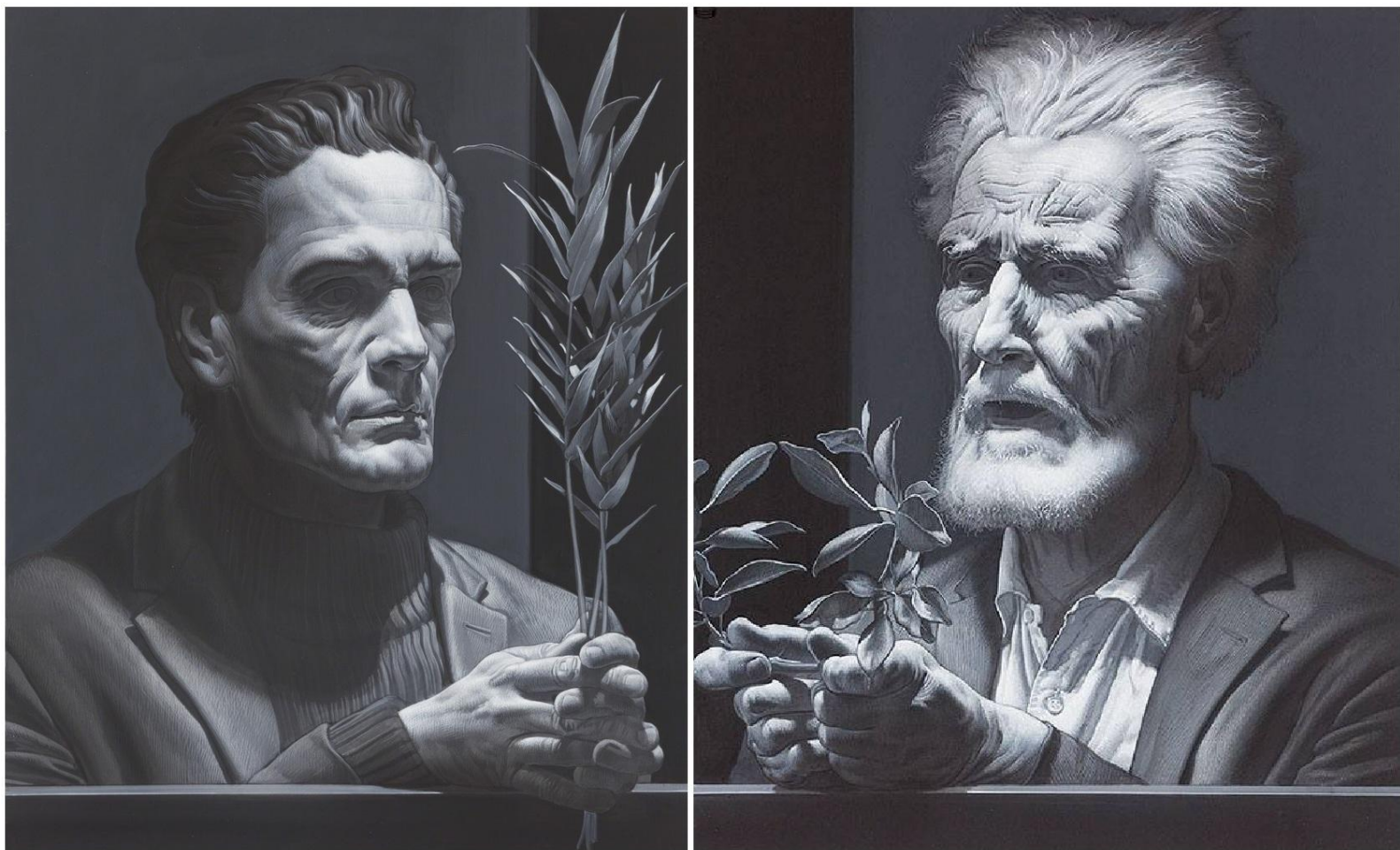
با تو سخن می‌گویم. از خویش دورش کن

و از جهان سرسبز پیاموز که جای تو کجاست.

این بخش از مصاحبه خیلی تاثیرگذار است. زیرا صدای پازولینی تحت تاثیر این ادبیات متعالی می‌لرزد. واقعیتی را که پازولینی انتظار داشت بتواند آن را چون شاگرد از استاد دریابد به خاطر فروتنی بسیار استاد در خود او می‌یابد.

این برخورد میان پازولینی و پاوند فقط برخورد میان دو چهره‌ی انقلابی نیست که البته به نحوی آرمانی متضادند. بلکه این رویارویی دو شاعر و دو آدمی است که با ارتباطی دوسویه میان عشق و کین و میراث سنگین روشنفکری و تعارض به هم پیوند خورده‌اند. ارتباطی که رسیده به نقطه‌ی ترجمه به آشتی فرمال و طعم عبور نمادین یک شاهد را دارد.

دو هنجارگریز، دو بیگانه، دو نامتعارف برابر که خود برگزیده‌اند تا دارایی‌شان را شخصاً به داو بگذارند.



پاوند و پازولینی به تصویرسازی نیکولا ورلاتو [Nicola Verlato]

شهریور ۱۴۰۴



fold-era.com